

# مغیره بن شعبه؛ حاکم سفاک کوفه

محمد باقر پورامینی

## چکیده

مغیره بن شعبه منسوب به قبیله بنی ثقیف، از قبایل بدنام عرب در زمان جاهلیت است که پس از غزوه حنین و محاصره طائف به ناچار به اسلام گردن نهادند. مغیره در سال پنجم هجری، زمانی که به دلیل کشتن جمعی از قوم خود و ربودن اموال آنان فراری بود، اسلام آورد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله او را همامان این امت می دانست. مغیره که از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام بغض می ورزید، می کوشید با نزدیک شدن به پیامبر صلی الله علیه و آله در شمار کاتبان و راویان قرار گیرد. همو در ماجرای سقیفه و حمله عمر به خانه حضرت فاطمه علیها السلام نقش فعال داشت و در جنگ جمل در برابر امیرمؤمنان ایستاد. مغیره همواره در کنار خلفای سه گانه و معاویه بود و امارت بر بصره و کوفه، حاصل این نزدیکی است. او به عیب گویی امیرمؤمنان علیه السلام معروف بود و در جعل و نشر حدیث به نفع معاویه و بر ضد علی علیه السلام می کوشید. این مقاله بر آن است تا ضمن معرفی مغیره بن شعبه، به خدمات این منافق صدر اسلام به خلیفه دوم و معاویه و نیز خیانت او به امیرمؤمنان علیه السلام بپردازد.

واژگان کلیدی: مغیره بن شعبه، عمر بن خطاب، معاویه، بصره، کوفه.

## درآمد

مغیره بن شعبه بن اُبی عامر، منسوب به قبیله بنی ثقیف است. این قبیله، مقیم در طائف بود و در جاهلیت سابقه خوبی نداشتند. آنان ابرهه را - هنگامی که قصد تخریب کعبه را داشت - راهنمایی کردند<sup>۱</sup> و پس از بعثت با تحریک و حتی مشارکت در فشارها و جنگ ها برضد اسلام، مشرکان را یاری کردند و تا توانستند در برابر پذیرش اسلام، مقاومت کردند و پس از غزوه حنین و محاصره طائف، به ناچار به اسلام گردن نهادند.<sup>۲</sup>

مغیره ثقفی در سال پنجم هجری اسلام آورد؛ زمانی که به دلیل کشتن جمعی از قوم خود و ربودن اموال آنان، فراری بود.<sup>۳</sup> از وقتی که او اسلام آورد، هیچ کس در وی خضوع و خشوعی ندیده بود<sup>۴</sup> و نوعی بی اعتمادی نسبت به وی به وجود آمده بود؛ به گونه ای که زمان ورود نمایندگان ثقیف به مدینه، پیامبر ﷺ پیشنهاد مغیره را برای پذیرایی از آنان رد کرد.<sup>۵</sup> از ابوذر روایت شده که پیامبر اکرم ﷺ، مغیره بن شعبه را همامان این امت می دانست.<sup>۶</sup>

او به دلیل آشنایی با ابوبکر، تلاش می کرد خود را به پیامبر ﷺ نزدیک سازد و در ردیف کاتبان و راویان قرار گیرد؛ گویا کتابت او صرفاً به موارد خاصی چون آب ها و دام ها منحصر بود.<sup>۷</sup>

مغیره از دوران پیامبر ﷺ به علی ﷺ بغض می ورزید<sup>۸</sup> و در ماجرای سقیفه از کسانی بود که در جلوگیری از بیعت با علی ﷺ و استقرار امر خلافت در دست ابوبکر، نقش فعالی داشت.<sup>۹</sup> او از کسانی بود که در پی عمر و گروهی بر در خانه فاطمه ﷺ آمد<sup>۱۰</sup> و به دستور عمر در را به شکم زهر آلود زد؛ چنان که محسن را سقط کرد و آن گاه علی ﷺ را به مسجد بردند.<sup>۱۱</sup>

مغیره ثقفی یکی از چهره‌های تاثیرگذار و در سایه خلفای سه گانه و معاویه بود و در دو مقطع بر کوفه حکم راند. او همپای ارادت به خلفا و تلاش در تثبیت قدرت آنان، در نقطه مقابل امیر مومنان علیه السلام جای داشت در فتنه‌انگیزی و ستم‌گری در دوران خلافت امیر مومنان علیه السلام نقشی محوری ایفا نمود. مغیره همکاری ویژه‌ای با معاویه داشت و ضمن تصدی امارت کوفه در سال ۴۱ قمری تا پایان عمر دستیار معاویه بود. زندگی مغیره را در سه دوره به اختصار بررسی می‌کنیم:

#### در خدمت خلیفه دوم

مغیره در دوره خلافت عمر به دلیل توجه خلیفه، به مناصب حکومتی دست یافت و نخستین کسی بود که لقب امیرامومنین را در زمان خلافت عمر به کار برد.<sup>۱۲</sup> او نخستین کسی است که در اسلام رشوه داده است. او به غلام عمر رشوه داد؛ تا بتواند در زمانی که هیچ کس نتوانسته بر عمر وارد شود، با او ملاقات کند.<sup>۱۳</sup> مغیره در جنگ‌های شام حضور داشت و یک چشم خود را در جنگ یرموک (در سال ۱۵ هجری) از دست داد.<sup>۱۴</sup> مغیره ثقفی در دوره خلیفه دوم، با تصدی امارت بر بصره، پس از دو سال،<sup>۱۵</sup> به دلیل فسق و رابطه نامشروع<sup>۱۶</sup> با زنی به

او نخستین کسی است که در اسلام رشوه داده است. او به غلام عمر رشوه داد؛ تا بتواند در زمانی که هیچ کس نتوانسته بر عمر وارد شود، با او ملاقات کند.

نام ام جمیل، عزل شد؛ اما مجازات و حد او اجرا نشد و خلیفه، شهود وی را مجازات کرد<sup>۱۷</sup> و در یک تصمیم تعجب برانگیز، امارت کوفه را به مغیره واگذار کرد. این اتفاق برای همگان حیرت‌آور بود و در ادبیات جاری مردم نیز از آن یاد می‌شد. به گزارش محمدبن سیرین،

مردی به دیگری چنین می گفت: «غضب الله عليك كما غضب اميرالمومنين على المغيرة؛ عزله عن البصرة، فولاه الكوفة؛ خدا بر تو غضب کند؛ آن سان که خلیفه بر مغیره غضب کرد؛ او را از امارت بصره عزل کرد و آن گاه امارت کوفه را به او سپرد.»<sup>۱۸</sup>

امیر مومنان علیه السلام در برابر این تخلف از حکم الهی، واکنش نشان داد و مغیره را به اجرای حد الهی تهدید کرد و فرمود: اگر قدرتی به دست آورم، مغیره را سنگسار می کنم.<sup>۱۹</sup>

### خیانت به امیر مومنان علیه السلام

مغیره ثقفی در روزهای آغازین خلافت امیر مومنان علیه السلام به ارزیابی وضعیت جدید و راه نفوذ به حکومت پرداخت و نخست ابقای معاویه را بر ولایت شام و سپس خلع او را پیشنهاد داد؛ اما امام درخواست او را نپذیرفت<sup>۲۰</sup> و فرمود: خداوند به من رخصت نداده است که گمراهان را بازوی اقتدار خود سازم.<sup>۲۱</sup>

به گفته زهری، مغیره بن شعبه در میان کسانی بود که با علی علیه السلام بیعت نکردند<sup>۲۲</sup> و اندکی پس از دیدارش با امام علی علیه السلام مدینه را ترک کرد و در پی اصحاب جمل به جنگ با امیر مومنان علیه السلام رفت؛ اما پس از شکست، کناره گرفت و برای رصد یک فرصت بهتر و حيله ای کارا تر، در طائف مستقر شد.<sup>۲۳</sup> امام علی علیه السلام در توصیف او می فرمود: «به خدا قسم! همواره حق را به باطل می آمیزد و باطل را حق جلوه می دهد و از دین، آن را پذیرفته که با دنیا موافق است.»<sup>۲۴</sup>

مغیره، تحولات و درگیری های عراق و شام را پی می گرفت و زمانی که پیکار صفین به حکمیت، انجامید خود را به مذاکرات دومة الجندل به شام کشاند و ضمن این که معاویه را به شکست اشعری بشارت داد، وی را از احتمال حيله های عمرو عاص بر حذر داشت.<sup>۲۵</sup>

### در خدمت معاویه

مغیره با حيله و مکر در کنار زیاد بن ابیه و عمرو عاص، اساسی ترین نقش را در استقرار و استمرار حکومت معاویه ایفا کرد. او در تحمیل صلح بر امام حسن علیه السلام نقش داشت و سبب دگرگونی و ضعف سپاه امام شد<sup>۲۶</sup> مغیره ثقفی در سال ۴۱ قمری با تصدی امارت کوفه، پاداش خود را از معاویه گرفت. مغیره در کوفه به محدود کردن شیعیان پرداخت و به دستور

معاویه، ضمن جلوگیری از نشر فضایل امیر مومنان علیه السلام<sup>۲۷</sup> حملاتی تند و اهانت آمیز به امام را مدیریت کرد.<sup>۲۸</sup> او که به عیب گویی امام علی علیه السلام معروف بود،<sup>۲۹</sup> در کار جعل و نشر حدیث به نفع معاویه و بر ضد علی علیه السلام کوشید.<sup>۳۰</sup> او برای خوشامد معاویه گفت: پیامبر که دختر خود را به علی داد، از جهت دوستی نبود؛ بلکه از آن رو بود که می خواست نیکی های ابی طالب را در حق خود جبران کند.<sup>۳۱</sup> همچنین او ۱۶۰ حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرد؛ اما به دلیل دروغ گویی، نمی توان او را ثقه پنداشت.<sup>۳۲</sup> به گزارش ابن همام اسکافی (متوفای ۳۶ق)، مغیره پس از شهادت امام مجتبی علیه السلام از عایشه درخواست کرد که از دفن سبط اکبر در جوار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جلوگیری کند.<sup>۳۳</sup> مغیره در خدمت به معاویه، دو کار را انجام داد؛ زیاد بن ابیه را به پذیرش برادری نامشروع معاویه راضی کرد<sup>۳۴</sup> و بعد با پیشنهاد ولایتعهدی یزید، زمینه تبلیغ و تثبیت آن را نیز فراهم آورد.<sup>۳۵</sup>

مغیره دهه پایانی عمر را در کوفه سپری کرد و امارت آن خطه را، با حيله، سفاکی و ستم گری سپری کرد و آن گاه در شعبان سال ۵۰ قمری در گذشت و در ثویه،<sup>۳۶</sup> مکانی در حاشیه شهر کوفه، در کنار حاکم پیشین کوفه، ابوموسی اشعری (متوفای ۴۴ق)<sup>۳۷</sup> دفن شد<sup>۳۸</sup> و دو سال بعد نیز زیاد بن ابیه، والی ستم گر کوفه پس از وی نیز در آن جا به خاک سپرده شد.<sup>۳۹</sup>

مغیره در خدمت به معاویه، دو کار را انجام داد؛ زیاد بن ابیه را به پذیرش برادری نامشروع معاویه راضی کرد و بعد با پیشنهاد ولایتعهدی یزید زمینه تبلیغ و تثبیت آن را نیز فراهم آورد.

## پی‌نوشت‌ها:

۱. تاریخ طبری، ج ۴، ص ۹۶.
۲. ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۱، ص ۳۱۳.
۳. صحیح البخاری، ج ۲، ص ۹۷۶؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۶۰، ص ۲۳.
۴. امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: چه مغیره ای! علت اسلامش گناه و خیانت بود؛ گروهی از قوم خود را کشت و فرار کرد و به سوی پیامبر صلی الله علیه و آله آمد، مثل این که به اسلام پناه آورده باشد. آگاه باشید که او از ثقیف است؛ فرعون‌هایی که قبل از قیامت به سوی حق میل کنند! (و تا آخر بر باطل اصرار دارند). آتش جنگ را می‌افروزند و ستم‌گران را یاری می‌کنند. همانا مرد صالح در ثقیف غریب است» (ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۸۰).
۵. واقدی، مغازی، ص ۷۳۳.
۶. «هامان هذه الامه المغیره بن شعبه». (ابن شاذان، الايضاح، ص ۶۶)؛ هامان، وزیر معروف فرعون بود و تا به آن حد در دستگاه او نفوذ داشت که در آیه ۶ سوره قصص، از لشکریان مصر تعبیر به لشکریان فرعون و هامان می‌کند (تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۱۷).
۷. نویری، نهایه الارب، ج ۳، ص ۲۱۰.
۸. «كان المغیره بن شعبه یبغض علیاً علیه السلام منذ ایام رسول الله صلی الله علیه و آله و تاكدت بغضته الی ایام ابی بکر و عمر و عثمان». (شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۱۰۱).
۹. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۵۲۴؛ ابن قتیبه، الامامه و السیاسه، ج ۱، ص ۲۱.
۱۰. تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۶۷؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۸، ص ۲۲۷.
۱۱. امام مجتبی علیه السلام در دوره معاویه به مغیره گفت: «أَنْتَ الَّذِي ضَرَبْتَ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ ص حَتَّى أَدْمَيْتَهَا وَ أَلَقْتَ مَا فِي بَطْنِهَا؛ تو همان هستی که فاطمه دخت گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله را زدی؛ تا آنجا که خون آلود شد و فرزند در شکمش را سقط کرد» (الاحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۲۷۸).
۱۲. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۶؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۲، ص ۲۵۶.
۱۳. اسد الغابه، ج ۴، ص ۴۰۷.
۱۴. الطبقات الکبری، ج ۶، ص ۹۸.
۱۵. تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۲۰۶.

۱۶. ابو منصور ثعالبی شافعی (متوفای ۴۲۹ق) ابو سفیان و مغیره بن شعبه را از زناکاران معروف شمرده است (ثعالبی، لطائف المعارف، ص ۹۹-۱۰۲).
۱۷. چهار شاهد وجود داشت و با شهادت آنان، بر اساس حکم الهی، مغیره می‌بایست سنگسار می‌شد. این سه شاهد برضد مغیره به زنا شهادت دادند و عمر به شاهد چهارم به گونه‌ای تلقین کرد که از شهادت خودداری کند و به او گفت: چهره مردی را می‌بینم که خداوند به دست او مسلمانی را بی‌آبرو نمی‌کند. آن مرد در شهادت خود به تردید افتاد و از هوس خویش پیروی کرد و آن‌گاه عمر شهود را حد زد و از مجازات مغیره صرف نظر کرد. (وفیات الأعیان، ج ۲، ص ۴۵۵؛ أسد الغابة، ج ۴، ص ۴۰۷؛ شرح نهج البلاغة لابن ابی الحدید، ج ۱۲، ص: ۲۳۷؛ نهج الحق، ص ۲۸۰).
۱۸. ابن قتیبہ، عیون الاخبار؛ تاریخ مدینہ دمشق، ج ۶۰، ص ۴۱؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۲۸.
۱۹. ترجمه الغارات، ص ۱۹۵.
۲۰. تاریخ طبری، ج ۴، ص ۴۳۸؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۷۷.
۲۱. وقعة صفین، ص ۵۲؛ ابن قتیبہ، الامامة و السياسة، ج ۱، ص ۱۵۷-۱۵۸.
۲۲. تاریخ طبری، ج ۱، ص ۳۰۷۰.
۲۳. ابن اثیر، الکامل، ج ۳، ص ۱۰۷.
۲۴. مفید، امالی، ص ۲۱۸.
۲۵. تاریخ طبری، ج ۴، ص ۱۶۴.
۲۶. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۴۲.
۲۷. مغیره بن شعبه خطاب به صعصعة بن صوحان گفت: مبدا از تو بشنوم که چیزی از فضایل علی برای من بگویی. من از تو به آن آگاه‌تر هستم؛ اما حکومت از ما خواسته است که عیب او را برای مردم بگوییم (الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۴۳۰).
۲۸. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۶۲.
۲۹. ترجمه الغارات، ص ۱۹۵.
۳۰. شرح نهج البلاغة، ج ۴، ص ۶۳.
۳۱. همان، ج ۴، ص ۷۰.
۳۲. نهایه الارب، ج ۲، ص ۷۲۵؛ الکامل، ج ۲، ص ۲۲۵.
۳۳. ابن همام اسکافی، منتخب الأنوار فی تاریخ الأئمة الأطهار (علیهم السلام)، ص ۶۱.

۳۴. مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۷؛ الکامل، ج ۳، ص ۲۰۷.

۳۵. الکامل، ج ۳، ص ۲۴۹.

۳۶. ثویه، نام جایگاهی نزدیک کوفه است و برخی آن را در کوفه می‌دانند. بعضی گویند که ویرانه‌ای نزدیک حیره و در یک ساعتی آن جاست. دانشمندان گفته‌اند که زندان نعمان بن منذر بود که هر کس او را می‌خواست بکشد، به آن جا می‌افکند. پس به هر کس که در آن جا می‌افتاد، گفته می‌شد: «بها ثوی» (در آن جا بماند). از این رو، به نام «ثویه» خوانده شد (معجم البلدان، ج ۲، ص ۸۷).

۳۷. تاریخ مدینه دمشق، ج ۳۲، ص ۱۰۰.

۳۸. ابن اثیر، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، ج ۱، ص ۲۳۱.

۳۹. تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۹، ص ۲۰۸.